

موضوع: محبت حضرت زهرا علیها السلام

اهمیت دادن ائمه علیهم السلام به رعایت حق الناس

شمال آفریقا تحت سلطه هارون بود. ایران و عراق و مصر هم هر کدام یک استان امپراطوریش بود. علی بن یقطین وزیر هارون و یکی از مریدان و شیعیان امام موسی کاظم علیه السلام بود. ابراهیم جمال برای دیدن علی بن یقطین رفته بود که اجازه ملاقات نداد و دل ابراهیم جمال را شکست. امام موسی کاظم(ع) فرمود: باید بروی از دلش در بیاوری. علی بن یقطین هم سوار بر شتر شد به بصره آمد در خانه ابراهیم جمال را کوبید ابراهیم آمد گفت: کیه؟ گفت: علی بن یقطین هستم. گفت: وزیر مملکت اینجا نمی آید ما در خانه اش رفتیم ما را راه نداد. گفت: من هستم در را باز کن. در را باز کرد دید وزیر است. گفت: برای چه آمدی؟ گفت: من آمدم عذر خواهی کنم من را حلال کن. اصلا فرق حضرت آدم با شیطان در این است که حضرت آدم گندمی را که نباید می خورد خورد، خدا گفت: چرا خوردی؟ گفت: اشتباه کردم. خدا هم گفت: من تو را نماینده و خلیفه خودم می کنم. ولی وقتی خدا به شیطان گفت: سجده بکن سجده نکرد خدا گفت: چرا سجده نکردی؟ گفت: من بهتر می دانم و ملعون و مطرود عالم شد. بیاییم بچه حضرت آدم بشویم و بگوییم خدا اشتباه کردیم. به خلق هم همین را بگویید. علی بن یقطین گفت: من اشتباه کردم نفهمیدم من را حلال کن. ابراهیم جمال گفت: حلالیت کردم. گفت: نمی شود من روی زمین می خوابم صورتم را روی خاک می گذارم شما کف پایت را روی صورت من بگذار بگو ای خدا حلالش کردم. گفت: آقا من خجالت می کشم. علی بن یقطین گفت: نمی شود این قدر گفت و قسمش داد تا قبول کرد. پایش را روی صورت علی بن یقطین گذاشت، علی بن یقطین هم گفت: خدایا شاهد باش ابراهیم جمال من را حلال کرد. دوباره سوار شتر شد به مدینه آمد خدمت امام هفتم رفت. امام هفتم فرمود: روز عرفه بیش از همه بیاد تو بودم و برایت دعا کردم.

محبت حضرت زهراء علیها السلام

یکی از مهمترین چیزهایی که در قبر به درد ما می خورد محبت اهل بیت خصوصا محبت فاطمه زهراء علیها السلام است. پیامبر صلی الله... به سلمان فرمود: «يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ» (مجلسی/ بحار الأنوار/ ج ۲۷/ ص: ۷۴). ای سلمان هر کس

فاطمه را دوست بدارد در بهشت کنار من خواهد بود. محبت فاطمه زهراء ما را از جهنم جدا می کند بهشتی می کند. پیامبر می فرماید: محبت این خانم شما را بامن محشور خواهد کرد. فاطمه زهراء هستیش را فدای راه خدا و امامت و ولایت کرد. فدای راه نجات خلق کرد. اگر فاطمه زهراء نبود همه سنی بودند. دین اسلام باقی نمی ماند. حضرت زهراء شیعه را زنده کرد، مکتب ناب پدرش را حفظ کرد. حضرت مجتبی علیه السلام می فرماید: من یک شب جمعه با مادرم بودم دیدم از اول شب تا اذان صبح همه اش برای دوستان و شیعیان و مومنین و مؤمنات دعا می کند. بعد از نماز صبح گفتم: یا مادر جان چرا همه اش برای دیگران دعا کردی؟ فرمود: اول به دیگران بعد به خودت خیر برسان. این راه و رسم حضرت زهراست. (علل الشرایع، ج ۱: ۲۱۶). و قطعا این ها روز قیامت اول هوای شیعیان و دوست داران خود را دارند. مرحوم آیت الله خوانساری حدود نود سالشان بود که از دنیا رفتند. پرسیده بودند که آقا شما شب اول قبر امیدتان به کیست؟ فرموده بود امید من به محبت و ولایت و اشک هایی است که برای حضرت زهراء ریختم. پیامبر به سلمان فرمود: هرکس محبت زهراء در دلش باشد در صد جا به دادش می رسم در موقع مردن، در قبر، در میزان، در صراط، در محاسبه و قیامت و در جاهای مهم دیگر به کمکش می آیم. بعد فرمود: سلمان هر کس فاطمه از او راضی باشد من و خدا از او راضی هستیم. و هر کسی که فاطمه ام از او نا راضی باشد من و خدا از او ناراضی خواهیم بود. در آخر فرمود: «يَا سَلْمَانَ وَبَلِّ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشَبِيعَتَهَا» (همان). سلمان وای به حال آن هایی که به فاطمه ام ظلم کنند. وای به حال آن هایی که به شوهر و بچه های فاطمه ام ظلم کنند. فاطمه زهراء مارا از آتش جهنم جدا می کند.

ذکر مصیبت

حضرت زهراء علیها السلام

شب اولی که عزیزی از دست می رود خانه ماتم کده می شود. و اگر آن عزیز از دست رفته همسر و مادر خانه باشند که ستون و بنیاد خانه اند. آن هم مادر جوان هیجده ساله که چهار فرزند دارد که همه قد و نیم قد، از چهار سال تا هفت سال دارند. یکی از آقایان نقل می کرد در سفر مکه آقای با خانمش آمده بود که خانمش در حال احرام مریض شد حالش بد شد و در منی از دنیا رفت. خیلی واقعه تلخ و جان گدازی بود. شوهر آن خانم خیلی بی تاب می کرد دلداریش می دادند خدا را

شکر کن خانمت در مهمانی خدا از دنیا رفته و آمرزیده شده است. گفت: شما از درد دل من خبر ندارید. من ایران برگردم چهار تا بچه کوچک دارم این ها به استقبال مادرشان می آیند من جواب این بچه ها را چه بدهم. امان از دل امیرالمومنین و بچه های یتیم بی بی علیها سلام ، امیرالمومنین نیمه های شب بدن آزرده زهراء را در قبر گذاشت. صورت زهراء را روی خاک قبر گذاشت. مقاتل نوشته اند وقتی دست هایش را از خاک قبر تکان داد همه غم های عالم به دل علی هجوم آورد رو کرد به قبر رسول الله گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» (مجلسی / بحار الأنوار / ج ۹۷ / ص ۲۶۳). یا رسول الله چقدر فاطمه زود از من جدا شد و به شما ملحق شد. یا رسول الله صبر من در این مصیبت کم شد شجاعت و توان من در این مصیبت کم شد. یا رسول الله کمکم کن. دیگر حزن و اندوه من دائمی است. شب های من به بیداری سپری می شوند. باز هم دل آقا آرام نشد خم شد و صورت نورانش را روی خاک قبر زهراء گذاشت گریه کرد. اما بعد از مدتی گریه کردن عباس عموی امیرالمومنین آمد گفت: علی جان نزدیک صبح است دشمن خبردار می شود جای قبر باید مخفی باشد. زیر بغل های علی را گرفتند و به خانه آوردند. اما دل ها بسوزه برای بچه ها و خواهر اباعبدالله در کربلا، آیا کسی آمد دلداری بدهد؟ آری آمدند با تازیانه.